



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقیناً
علیهما صابغین

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



در مکتب اهل بیت

جلد ۲۰

تعداد تکبیرهای نماز میت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعداد تکبیرهای نماز میت

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تعداد تکبیرهای نماز میت
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۴	سخن مجمع
۱۸	مقدمه
۱۸	اشاره
۲۲	حال نگاه بیندازید و ببینید:
۲۶	اختلاف در تعداد تکبیرهای نماز میت
۲۶	اشاره
۲۶	۱- بررسی ادله کسانی که قایل به چهار تکبیر در سنت نبوی هستند
۳۲	۲- نقش خلیفه دوم در تثبیت قول به چهار تکبیر
۳۹	۳- ادله قول به پنج تکبیر در سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۴۷	۴- تکبیرهای نماز میت در سایه مرجعیت اهل بیت (علیهم السلام)
۵۷	چکیده بحث
۵۸	درباره مرکز

تعداد تکبیرهای نماز میت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: تعداد تکبیرهای نماز میت [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات ، عبدالکریم بهبهانی ؛ مترجم : حسین علی عربی ؛ تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی؛ ویراستاری: امرا... نصیری

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۲ص. ۲۱×۱۴/۵ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیه السلام؛ ۲۰

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۹۳.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۴۱۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

تعداد تکبیرهای نماز میت

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات ، عبدالکریم بهبهانی

مترجم : حسین علی عربی

ص: ۴

تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی

ویراستاری: امرا... نصیری

ص: ۶

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت]... معرفی مکتب اهل بیت است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است .

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطب ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لب پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیس دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران امت و برآحاد جامع اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب هم مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفقیّت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلم توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛

- ما که خطبه های غزّای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با هم این اوصاف، به صورت جاهلان و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطب علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحن حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرایبی، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان....

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد - چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصار انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمین اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آكله الاكباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموع فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموع «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبتیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجم فارسی آن توسط ادار ترجم

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

از جمله موارد اختلافی مذاهب اسلامی، «اختلاف در تعداد تکبیرهای نماز میت» است. مذهب اهل بیت (علیهم السلام) قایل است که تعداد تکبیرها «پنج تا» است و پیروان خلفا در مذاهب چهارگانه قایل به این هستند که تعداد تکبیرها «چهار تا» است.

(۱)

برای روشن شدن مطلب باید در این مسائل بحث شود.

۱- بررسی ادله کسانی که قایل به چهار تکبیر در سنت نبوی هستند

فقههای مذاهب چهارگانه و ثوری، اوزاعی، داوود و ابو ثور، قایل به این قول هستند و آن را از حسن بن علی (صلی الله علیه و آله) و برادرش محمد بن حنفیه، عمر، ابن عمر، زید، جابر، ابوهریره، براء بن عازب، عتبه بن عامر و عطاء بن ابی رباح نقل کرده اند (۲). آنان استدلال کرده اند که

ص: ۲۱

۱- (۱) - الأم: ۱/ ۲۸۳ و ۲۷۰؛ الأم: (مختصر المزنی): ۳۸؛ المجموع: ۵/ ۲۳۱؛ عمدہ القاری: ۸/ ۱۱۶؛ کفایہ الاخیار: ۱/ ۱۰۳؛ سبل السلام: ۲/ ۵۵۸؛ شرح فتح القدر: ۱/ ۴۶۰؛ بدایه المجتهد: ۱/ ۲۲۶؛ الهدایه: ۱/ ۹۲؛ اللباب: ۱/ ۱۳۳؛ المغنی، ابن قدامه: ۲/ ۳۹۳ - ۳۹۲؛ الحاوی الکبیر: ۳/ ۵۳ - ۵۲.

۲- (۲) - المجموع: ۵/ ۲۳۰، المبسوط، سرخسی: ۲/ ۶۳؛ اللباب: ۱/ ۱۳۰؛ المغنی: ۲/ ۳۸۹ و ۳۸۷؛ الشرح الکبیر: ۲/ ۳۵۰؛ بلغہ السالک: ۱/ ۱۹۷؛ بدایه المجتهد: ۱/ ۲۳۴؛ الشرح الصغیر: ۱/ ۱۹۷؛ سبل السلام: ۲/ ۵۵۸.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فوت نجاشی؛ پادشاه حبشه را به مردم تسلیت گفت و در نمازی که بر وی خواند، چهار تکبیر گفت. (۱)

در بدایه المجتهد آمده است:

از ابی خیشمه، از پدرش روایت شده است:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر اموات، چهار، پنج، شش، هفت و هشت تکبیر می گفت تا این که نجاشی از دنیا رفت. مردم پشت سر آن حضرت به نماز میّت ایستادند و آن حضرت چهار تکبیر گفت. پس از آن نیز در نمازهای میّت، چهار تکبیر گفت تا این که رحلت فرمود.» (۲)

این روایت دلیل آشکاری برای جمهور است. (۳)

در فقه الکتاب و السنّه آمده است:

«رکن سوّم نماز میّت، تکبیرها هستند که با تکبیره الاحرام چهار تا می باشد و نماز میّت بدون این تکبیرها صحیح نیست و تمام اهل علم بر این قول، اتفاق نظر دارند و قول حنفیه، شافعیّه، مالکیه و همچنین حنابله همین می باشد.

ابن منذر می نویسد:

ص: ۲۲

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۲/ ۱۱۲ و ۹۲؛ صحیح مسلم: ۲/ ۹۵۱ و ۶۵۵؛ سنن ترمذی: ۳/ ۳۴۲، ح ۱۰۲۲؛ سنن ابی داوود: ۳/ ۲۱۲/ ح ۳۲۰۴؛ سنن نسائی: ۴/ ۷۲؛ الموطّأ: ۱/ ۲۲۶/ ح ۱۴.

۲- (۲) - این را ابوشیبّه در کتاب جنائز، در باب: «مَنْ يُكَبِّرُ عَلَى الْجَنَازَةِ سَبْعًا وَ تِسْعًا» جلد ۳، صفحه ۳۰۴ روایت کرده است.

۳- (۳) - بدایه المجتهد: ۱/ ۳۲۲، چاپ دار المعرفه.

«ثابت شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چهار تکبیر می گفت و عمر بن خطاب، ابن عمر، زید بن ثابت، حسن بن علی، براء بن عازب، ابوهریره، محمد بن حنفیه، عطاء، ثوری، اوزاعی و اسحاق، همین قول را گفته اند». (۱)

برای اثبات این امر، به بعضی از نصوص و اخبار استدلال می شود:

مسلم از ابوهریره نقل کرده است:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در گذشت نجاشی را در همان روزی که فوت کرده بود، به مردم تسلیت گفت، سپس مردم را در مصلی جمع کرد و در نماز میت بر نجاشی، چهار تکبیر گفت». (۲)

مسلم از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر اصحمة نجاشی نماز میت خواند و در نماز بر او چهار تکبیر گفت». (۳)

همچنین مسلم از شعبی روایت کرده است:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر قبر میتی که دفن شده بود، نماز میت خواند و چهار تکبیر گفت». (۴)

ص: ۲۳

۱- (۱) - البدائع: ۱/ ۳۱۳؛ المجموع: ۵/ ۲۳۰؛ مغنی المحتاج: ۱/ ۳۴۱؛ اسهل المدارک: ۱/ ۳۵۴؛ الأنوار: ۱/ ۱۷۳.

۲- (۲) - صحیح مسلم: ۳/ ۵۴.

۳- (۳) - صحیح مسلم: ۳/ ۵۵.

۴- (۴) - صحیح مسلم: ۳/ ۵۵.

و دارقطنی از ابی بن کعب روایت کرده است:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا فرشتگان الهی بر آدم نماز خواندند و چهار تکبیر گفتند و اعلام کردند که ای فرزندان آدم! این سنت شماست».^(۱)

و اگر شخصی از روی فراموشی، پنج تکبیر، یا بیشتر بگوید، نمازش باطل نیست؛ زیرا حداکثر این است که سخنانی را از روی فراموشی گفته شده است. و برای فراموشی، سجده سهو به جای آورده نمی شود؛ چنان که در غیر موضع، تکبیر، یا تسبیح بگوید، اما اگر از روی عمد، پنج تکبیر، یا بیشتر بگوید، در این صورت دو قول وجود دارد:

اول: نمازش باطل است؛ زیرا رکنی را بدان اضافه کرده است و مثل آن است که سجده یا رکوعی را به نماز اضافه کرده باشد. بعضی از شافعیّه قایل به این هستند و ظاهر مذهب حنفیه همین را می رساند.^(۲)

دوم: نمازش باطل نیست. و قول صحیح از مذهب شافعیّه همین است که بر اساس روایت ابو یوسف عمل کرده است. حنابله نیز همین را گفته اند.

ص: ۲۴

۱- (۱) - دارقطنی: ۷۱ / ۲.

۲- (۲) - البدائع: ۱ / ۳۱۲؛ المجموع: ۵ / ۲۳۰.

آنان در اکثر اقوال شان گفته اند که: بیشتر از هفت تکبیر و کمتر از چهار تکبیر گفتن جایز نیست و بهتر این است که چهار تکبیر باشد و چیزی بر آن اضافه نشود. و احادیثی که در این باره رسیده است، بر چهار و پنج تکبیر تصریح می کند و این اختلاف، مباح است و هر دوی آنها جایز می باشد.

مسلم از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت کرده است:

«زید بر جنازه های ما چهار تکبیر می گفت و یک بار بر جنازه ای پنج تکبیر گفت، علّت را از او پرسیدم، جواب داد: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پنج تکبیر هم می گفت».^(۱)

بیهقی از عبدالله بن معقل روایت کرده است:

«علی (علیه السلام) بر سهل بن حنیف نماز خواند و شش تکبیر بر او گفت. آنگاه رو به ما کرد و فرمود: او از بدریون بود».^(۲)

و نیز بیهقی از موسی بن عبدالله بن زید روایت می کند که:

«علی (علیه السلام) بر ابی قتاده نماز خواند و هفت تکبیر گفت و فرمود او از بدریون بود».^(۳)

خلاصه اقوال این است که:

ص: ۲۵

۱- (۱) - صحیح مسلم: ۵۶ / ۳.

۲- (۲) - بیهقی: ۳۶ / ۴.

۳- (۳) - بیهقی: ۳۶ / ۴.

«پنج تکبیر گفتن از روی فراموشی اشکال ندارد، نه از روی عمد و همین قول شافعیّه و حنبله براساس روایتی از ابو یوسف می باشد.» (۱) و (۲)

و در کتاب الحاوی الکبیر آمده است که:

«اولی و این است که چهار تکبیر گفته شود و این به خاطر سه امر است:

اول: بیشترین روایتها به چهار تکبیر اشاره می کند؛ چنان که ابوهریره روایت کرده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر جنازه نجاشی چهار تکبیر گفت و سهل بن حنیف روایت کرده است که آن حضرت بر سکینه چهار تکبیر گفت. و انس روایت کرده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر فرزندش ابراهیم، چهار تکبیر گفت و این آخرین نماز میت او بود و از همین رو، ناسخ افعال قبلی آن حضرت بوده است.

دوم: ابن عتیاس و ابن ابی اوفی روایت کرده اند: آخرین جنازه ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر آن نماز خواند و چهار تکبیر گفت، جنازه سهل بن بیضا بود.

سوم: عمل صحابه به چهار تکبیر و اجماع ایشان بر آن. روایت شده است که ابوبکر بر جنازه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چهار تکبیر گفت و علی (علیه السلام)

ص: ۲۶

۱- (۱) - البدائع: ۳۱۲ / ۱؛ مغنی المحتاج: ۳۴۱ / ۱؛ المغنی: ۵۱۴ / ۲.

۲- (۲) - فقه الکتاب و السنّه: ج ۵ / ۲۷۹۸ ۲۸۰۰.

بر ابوبکر چهار تکبیر گفت و صهیب بر عمر، چهار تکبیر گفت و امام حسن (علیه السلام) بر جنازه علی ابن ابیطالب (علیه السلام) چهار تکبیر گفت». (۱)

در مورد اجماع صحابه باید گفت: ابراهیم نخعی روایت کرده است:

«اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از رحلت ایشان در تعداد تکبیرها بر جنازه اختلاف پیدا کردند؛ عده ای گفتند: چهار و عده ای گفتند: سه و عده ای گفتند که باید پنج تکبیر گفت. عمر صحابه را جمع کرد و پس از مشورت، تصمیم گرفتند که چهار تکبیر بگویند. پس انعقاد اجماع صحابه برای زایل کردن اختلاف صحابه بوده است. و ابوالعباس بن سیریح این را از اختلافهای مباح می دانسته و بعضی را نسبت به دیگر اولی نمی دانسته است و ابن مسعود نیز تقریباً چنین نظری داشته است و انعقاد اجماع، این نظر را باطل می کند». (۲)

۲- نقش خلیفه دوم در تثبیت قول به چهار تکبیر

اتفاق نظر صحابه بر چهار تکبیر، ناشی از اقدامات عمر بن خطاب بوده است؛ زیرا وی مشاهده کرد که مردم در نماز میّت تکبیرهای متفاوت می گویند؛ از این رو، چهار تکبیر را معین و همه را بدان

ص: ۲۷

۱- (۱) - الحاوی الکبیر: ۳/ ۵۴، کتاب الجنائز، باب التکبیر علی الجنائز.

۲- (۲) - الحاوی الکبیر، علی بن محمد ماوردی شافعی: ۳/ ۵۵، کتاب الجنائز، باب التکبیر علی الجنائز.

ملزم کرد. در این صورت، اقدام او یک ملاک شرعی نیست و معیار مشابَهت با طولانی ترین نماز که عمر بدان استناد کرد - چنان که خواهد آمد - نمی تواند دلیلی الزام آور، برای کسی باشد.

در فتح الباری از ابن منذر آمده است:

«آنچه را که انتخاب کرده ایم همان است که از سوی عمر ثابت شده است. سپس اسناد صحیح آن را به سعید بن مسیب رسانده است که گفت: تعداد تکبیرهای نماز میت، چهار و پنج بود تا این که عمر به مردم دستور داد که چهار تکبیر بگویند!

بیهقی هم با اسناد حسن از ابو وائل نقل کرده است: مردم در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفت، شش، پنج و یا چهار تکبیر می گفتند تا این که عمر آن را چهار تکبیر که مطابق طولانی ترین نماز که چهار رکعت است، قرار داد...» (۱)

چنان که مشاهده می شود، در این جا عملی بدون دلیل ثابت می شود که ناشی از رغبت خلیفه دوم در صدور احکام شرعی براساس ملاکها و معیارهایی است که شریعت آنها را تصریح ننموده است. همین دستور بدون ملاک و معیار شرعی خلیفه منشأ فقهی مذاهب چهارگانه اهل سنت می شود و فقهای این مذاهب، سعی کرده اند تا برای این اقدام خلیفه دلیل و مدرک شرعی بتراشند و در واقع تلاشهای آنان برای توجیه عمل خلیفه بوده است.

ص: ۲۸

از جمله ماوردی شافعی در این زمینه تلاشهایی کرده است که نقل شد. او در دلیل اوّل خود ادّعا کرد که روایات مربوط به چهار تکبیر، بیش از روایات دیگر است. این دلیل وی در صورتی صحیح است که بین روایات، تعارض وجود داشته باشد و کار به تعادل و ترجیح بین روایات رسیده باشد، در حالی که در بحث ما چنین نیست. در این بحث، قول به «تخیر» و قول به «تنويع» وجود دارد؛ - چنان که خواهد آمد - و نوبت به ترجیح به خاطر روایت بیشتر نمی رسد.

علاوه بر این، قواعد ترجیح، در جایی که تعارض روایات به خاطر روات آنها باشد، اجرا می شود و در جایی که احتمال دارد یک مسأله در اصل تشریح، صورتهای گوناگونی باشد، ترجیح جاری نمی شود؛ در حالی که مسأله مورد نظر چنین است.

بر طبق روایاتی که از فرقه های شیعه و سنی نقل شده قطع به این وجود دارد که وجود مقدّس رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گاهی نماز میت را با چهار تکبیر و گاهی با پنج تکبیر خوانده است؛ بنابراین، تفاوت به روات باز نمی گردد تا آن را با «ترجیح» معالجه کنیم بلکه تفاوت در اصل تشریح وجود دارد و مسأله مورد بحث، مشمول مسائل ترجیح نیست تا آن را با روایت بیشتر و کمتر حل کنیم.

عدّه ای از صحابه پیش عمر شهادت داده اند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز میت را با بیش از چهار تکبیر خوانده است و خود عمر این ادّعا

را رد نکرده است بلکه با ملا-ک و معیاری که خودش داشته یکی از اقوالی را که برایش روایت شده اختیار کرده است. این ملا-ک، همان مشابهت با طولانی ترین نماز که چهار رکعتی است، می باشد و راویان، آن را برای وی نقل نموده اند. شاید اقدام عمر یک نوع حکم حکومتی بوده تا بدین وسیله اختلافات میان مسلمانان را کمتر کند.

علاوه بر این، قواعد ترجیح در فقه امامیه ترجیح روایات بیشتر بر روایات کمتر را قبول ندارد بلکه این قاعده را در جایی قبول دارد که در مقابل روایات بیشتر، روایات شاذ و نادر وجود داشته باشد؛ چنان که قواعد ترجیح در فقه اهل سنت، قبل از آن که بیشتر را بر کمتر ترجیح بدهد، به وثاقت و ضعف راویان توجه می کند. مسأله مورد بحث از همین قبیل است؛ چنان که از ابن حزم نقل خواهیم کرد.

خلاصه آن که: دلیل ترجیح به اکثر، در نهایت ضعف است؛ چون مسأله مورد بحث از قواعد ترجیح خارج است و بر فرض که تحت قواعد ترجیح باشد، بر طبق اصول فقه امامیه و فقه اهل سنت قواعد ترجیح در آن جاری نمی شود.

امّا دلیل دوم که قایل به عمل صحابه به چهار تکبیر است، سست تر از دلیل اول می باشد. و آنچه را که وی از بعضی از صحابه نقل کرده است مبنی بر این که آنان مقید به چهار تکبیر بوده اند و پنج تکبیر نمی گفته اند، دلیلی است که اخص از مدعا می باشد. ما نقل خواهیم کرد که تعدادی از صحابه پنج تکبیر می گفته اند. حضرت علی (علیه السلام) از کسانی می باشد که مارودی او را از صحابه ای دانسته است

که پنج تکبیر می گفت، به این ترتیب، باید پرسید که وی چگونه ادعا کرده است که عمل همه صحابه بر چهار تکبیر بوده است؟!

از سوی دیگر، می دانیم که عمر بن خطاب به خاطر اختلاف در تعداد تکبیرها صحابه را جمع کرد و به مشورت با آنان پرداخت. آنان گفتند که: عدّه ای چهار و عدّه ای پنج تکبیر می گویند و عمر دستور داد که بعد از این، همه چهار تکبیر بگویند. در این صورت، قول دوّم ماوردی با قول اوّل وی، انسجام ندارد؛ زیرا اگر عمر دستور به چهار تکبیر داده است، همین دلالت می کند بر این که صحابه تا قبل از آن، مقتید به چهار تکبیر نبوده اند و اگر صحابه مقتید به چهار تکبیر بودند، یا روایت چهار تکبیر مشهور تر بود، دیگر عمر نیازی نداشت که صحابه را جمع کند و با آنان به مشورت پردازد و به آنان دستور دهد که چهار تکبیر بگویند، پس اقدام عمر بر این دلالت می کند که سیره صحابه بر چهار تکبیر منعقد نبوده است.

عجیب تر از این، دلیل سوّم ماوردی است. وی ادعای اجماع صحابه بر قول به چهار تکبیر نموده است! می دانیم که اقدام خلیفه دوّم، حکم حکومتی بوده و قبل از آن در شریعت وجود نداشته و اجماع از احکام سلطانیّه و حکم حکومتی سرچشمه نمی گیرد بلکه از اتّفاق نظر صحابه بر امر شرعی معینی نشأت می گیرد. اقدام خلیفه هم دلیل بر آن است که اجماعی در باب تعداد تکبیرهای نماز میّت وجود نداشته است.

ابن حزم به شدت این دلیل را رد کرده و نوشته است:

«ابو محمد گفته است: و کسانی که بیش از چهار تکبیر را منع کرده اند، به خبری که آن را از طریق وکیع از سفیان، از عامر بن شقیق، از ابی وائل نقل کرده ایم، احتجاج کرده اند. او روایت کرده که: عمر بن خطاب مردم را جمع کرد و با ایشان درباره تعداد تکبیرهای نماز میت به مشورت پرداخت. آنان گفتند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هفت، پنج و چهار تکبیر می گفت. عمر دستور داد که چهار تکبیر بگویند؛ چنان که طولانی ترین نماز، چهار رکعت است.

همچنین آن را از طریق عبدالرزاق، از سفیان ثوری، از عمر بن شقیق، از ابو وائل روایت کرده ایم و او آن را نقل کرده است. آنان گفته اند: این حکم، اجماعی است و خلاف آن جایز نمی باشد.

ابو محمد گفته است: این در غایت ضعف و فساد است؛ زیرا این خبر صحیح نیست؛ چون عامر بن شقیق در سلسله سند آن وجود دارد که ضعیف است و عمر بن شقیق هم مجهول است. و پناه می بریم به خدا از این که عمر در ایجاد فریضه ای بر خلاف آنچه رسول الله (صلی الله علیه و آله) آن را عمل می کرده است، یا برای جلوگیری از انجام بعضی از افعالی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنها را انجام می داده است، به مشورت با دیگران بپردازد. آنگاه فعلی که در زمان حیات آن حضرت حلال بوده پس از وی حرام گردد. هیچ گاه کسی نسبت به عمر چنین فکر نمی کند، مگر این که به جایگاه عمر نسبت به دین اسلام جاهل باشد و بخواهد به سلف صالح طعنه بزند».

سپس ابو محمد (ابن حزم) گفته است:

«وای بر آن اجماعی که علی ابن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، انس بن مالک، ابن عباس، صحابه مقیم شام، تابعین مقیم شام، ابن سیرین، جابر بن زید و غیره در آن نباشند! و خروج از اجماع این افراد، با سندهای صحیح نقل شده باشد. و کسی که ادعای اجماعی می کند که این افراد در آن نیستند و آن را با سندهای واهی و باطل نقل می کند، معلوم است که جاهل است و چه جهالتی از این بالاتر؟! چه کسی بی عقل تر از این است که اجماعی را ادعا کند که ابوحنیفه، مالک و شافعی در آن هستند، اما علی (علیه السلام)، ابن مسعود، زید بن ارقم، انس بن مالک و ابن عباس از آن آگاه نبوده و حتی مخالف این اجماع هستند؟! این که عمر، علی (علیه السلام)، ابن مکف، ابن ابی اوفی، زید بن ثابت، زید بن ارقم و انس چهار تکبیر می گفته اند، درست است، اما این افراد پنج تکبیر را انکار نکرده اند و به طور صحیح روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چهار و پنج تکبیر می گفت».^(۱)

ص: ۳۳

۱- (۱) - المحلی: ۵/ ۱۲۷ - ۱۲۴.

۳- ادله قول به پنج تکبیر در سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

منابع روایی اهل سنت و امامیه در مورد احادیث نبوی که بر وقوع پنج تکبیر در نماز میت دلالت می کنند، اختلاف ندارند. مسلم، نسائی، ابو داوود و ترمذی روایت کرده اند که زید بن ارقم بر جنازه ای نماز خواند و بر آن پنج تکبیر گفت و آنگاه اعلام کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پنج تکبیر می گفت. (۱)

و در مجمع الزوائد، از کبیر بن عبدالله، از جدش، از پدرش روایت کرده است:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نماز بر نجاشی را با پنج تکبیر به جای آورد.»

همچنین این را ابن ماجه بدون ذکر نام نجاشی روایت کرده است و طبرانی آن را در الکبیر و الاوسط روایت کرده است. (۲)

در فتح الباری از ابن منذر، از ابن مسعود روایت شده است:

«آن حضرت بر جنازه مردی از طایفه بنی اسد، نماز خواند و پنج تکبیر گفت.» (۳)

ص: ۳۴

۱- (۱) - صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب الصلاه على القبر، رقم ۹۵۷؛ مسند ابی داوود، کتاب الجنائز، باب التکبیر علی الجنازه، رقم ۳۱۹۷؛ سنن ترمذی، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی التکبیر علی الجنازه، رقم ۱۰۲۳؛ نسائی، کتاب الجنائز، باب عدد التکبیرات علی الجنازه: ۷۲ / ۴؛ جامع الاصول: ۲۱۶ / ۶؛ سنن دارقطنی: ۷۳ / ۲، ح ۸.

۲- (۲) - مجمع الزوائد: ۳۸ / ۳.

۳- (۳) - فتح الباری: ۱۵۷ / ۳.

«زید بن ارقم، بعد از عمر، در نماز میت پنج تکبیر می گفت. و علقمه از شام وارد کوفه شد و به ابن مسعود گفت: برادران تو در شام در نماز میت پنج تکبیر می گویند، چرا برای ما توضیح ندادید تا از شما پیروی کنیم؟! ابن مسعود، لحظاتی ساکت شد و گفت: در نماز میت به جنازه های خود نگاه کنید و همانند ائمه خود تکبیر بگویید و وقت و عدد خاصی ندارد.

همچنین روایت شده است که: ابن مسعود و امام علی (علیه السلام) نماز میت خوانده و پنج تکبیر گفتند». (۱)

امام احمد، از حدیث زید بن ارقم، از عبدالأعلی روایت کرده است:

«پشت سر زید بن ارقم بر جنازه ای نماز می خواندم که وی پنج تکبیر گفت. پس از نماز، ابو عیسی عبدالرحمان بن ابی لیلی برخاست و دست او را گرفت و پرسید: آیا فراموش کردی؟ پاسخ داد: نه، بلکه من پشت سر حبیب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز می خواندم که او پنج تکبیر گفت و من آن را هرگز ترک نخواهم کرد». (۲)

همچنین زید بن ارقم بر جنازه سعد بن جبیر معروف به سعد بن حبه (حبه مادرش بود) نماز خواند و بر جنازه اش پنج تکبیر گفت.

۱- (۱) - المحلّی: ۱۲۷/۵ - ۱۲۶.

۲- (۲) - ر.ک: صفحه ۳۷۰ از جزء چهارم مسند.

این را ابن حجر در شرح حال سعد در کتاب الاصابه آورده و ابن قتیبه آن را در شرح حال ابویوسف که از اساتیدش بوده آورده است و این سعد، جدّ ابویوسف قاضی بوده است.

امام احمد، از حدیث حذیفه، از طریق یحیی بن عبدالله بن جابر روایت کرده است:

«پشت سر عیسی، آزاد کرده حذیفه در مدائن بر جنازه ای نماز می خواندیم. وی پنج تکبیر گفت، سپس رو به ما کرد و گفت: فراموش نکردم و دچار وهم و خیال نشدم بلکه همان طوری که مولایم حذیفه بن یمان، تکبیر می گفت، تکبیر گفتم؛ او بر جنازه ای نماز خواند و پنج تکبیر گفت، سپس رو به ما کرد و گفت: فراموش نکردم و دچار وهم و خیال نشدم بلکه همان گونه تکبیر گفتم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تکبیر گفت...» (۱).

علی (علیه السلام) بر جنازه سهل بن حنیف پنج تکبیر گفت. (۲)

و پیروان معاذ بن جبل، بر جنازه پنج تکبیر می گفتند. (۳)

ص: ۳۶

-
- ۱- (۱) - مسند احمد: ۴۰۶/۵، این را ذهبی در شرح حال یحیی بن عبدالله جابر در میزان الاعتدال نقل کرده است؛ مصنف، ابن ابی شیبه: ۳۰۳/۳؛ سنن دارقطنی: ۹۳/۲ و ج ۹؛ مجمع الزوائد: ۳/۳۴.
 - ۲- (۲) - المغنی: ۳۸۷/۲؛ الشرح الکبیر: ۳۴۹/۲، به نقل از سعید در سنن خودش.
 - ۳- (۳) - مصنف، ابن ابی شیبه: ۳۰۳/۳؛ سنن بیهقی: ۳۷.

ابن ماجه هم در سنن خود، بابی را با عنوان: «بَابُ مَا جَاءَ فِيْمَنْ كَبَّرَ خَمْسًا» آورده است. (۱)

در بدایه المجتهد آمده است:

«ابن ابی لیلی و جابر بن زید فتوا می دادند که باید پنج تکبیر گفت». (۲)

در فتح الباری، از کتاب المبسوط فی الفقه الحنفی، از ابو یوسف نقل شده است که وی پنج تکبیر می گفت. (۳)

از محمد بن علی بن عمران تمیمی مالکی نقل شده است که در کتابی به نام فوائد مسلم آورده است:

«زید در نماز میت پنج تکبیر می گفت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز همین طور عمل می کرد، اما به خاطر این که پنج

تکبیر گفتن، شعار روافض قرار گرفته بود، آن را کنار گذاشتند». (۴)

در حاشیه سندی بر سنن نسائی در تعلیقه وی بر کلام ابن ابی لیلی که می گویند: «زید بر جنازه ای نماز خواند و پنج تکبیر

گفت»، سندی می گوید:

ص: ۳۷

۱- (۱) - سنن ابن ماجه: ح ۱۵۰۵.

۲- (۲) - بدایه المجتهد: ۱ / ۳۲۱.

۳- (۳) - فتح الباری: ۳ / ۱۵۸.

۴- (۴) - جواهر الکلام: ۱۲ / ۳۱.

«من می گویم که در ابتدا تعداد تکبیرهای نماز میّت مختلف بود تا این که اختلاف برداشته شد و بر چهار تکبیر توافق حاصل شد، الا این که بعضی از صحابه با این اتفاق نظر موافقت نکردند و بر همان شیوه ای که اوّل بود، عمل می کردند و خداوند به احکام عالمتر است».^(۱)

نتیجه این متن و حاشیه آن این است که: اصل اوّلی در تکبیرهای نماز میّت، مبنی بر پنج بوده است، یا حداقل قول به پنج تکبیر، شیوع بیشتری داشته است، به طوری که بعضی از صحابه بر خلاف اتفاق نظری که به وجود آمده بود، بر همان پنج تکبیر، باقی مانده بودند.

اینها مطالبی است که در کتابهای پیروان خلفا اعمّ از مذاهب چهارگانه و غیره وجود دارد، اما مذهب امامیه قایل به پنج تکبیر است و آن را از ضروریات مذهب می داند؛ چنان که صاحب جواهر گفته است.^(۲)

کلمات علمای متقدّم و متأخر نیز همین را تأیید می کند؛ چنان که سید مرتضی در الانتصار^(۳) و شیخ مفید در المقنعه^(۴) و شیخ

ص: ۳۸

۱- (۱) - سنن النسائی بحاشیه السندی: ۳۷۵ / ۲.

۲- (۲) - جواهر الکلام: ۳۱ / ۱۲.

۳- (۳) - الانتصار: ۱۷۵.

۴- (۴) - المقنعه: ۲۲۷.

طوسی در الخلاف (۱) و علامه حلی در تذکره الفقهاء (۲) گفته اند و این عمل را طبق سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می دانند، (۳) علاوه بر این که روایات زیادی در این خصوص از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است.

از کلمات معاصرین در این بحث می توان به سخنان آیت الله حکیم در کتاب المستمسک اشاره کرد. وی می نویسد:

«قول به پنج تکبیر، اجماعی است؛ چنان که در الانتصار، الغنیه، التذکره، الذکری، جامع المقاصد، الروض و المدارک و غیره آمده است بلکه گمان می رود که این از ضروریات مذهب باشد.

علاوه بر این، روایاتی بر آن دلالت دارند همانند: صحیح ابن سنان، از ابو عبدالله (علیه السلام) که فرمود: التکبیر علی المیت خمس تکبیرات. و صحیح ابی ولاد که می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره تکبیر بر میت سؤال کردم که فرمود: خمساً.

روایات بسیاری شبیه این، روایت شده که به حدّ تواتر رسیده است و در بعضی از روایات استدلال شده است که این پنج تکبیر، از پنج نماز واجب گرفته شده است و یا گفته شده است که این پنج تکبیر، از پنج رکنی که اسلام بر آنها پایه گذاری شده گرفته شده است». (۴)

ص: ۳۹

۱- (۱) - الخلاف: ۱ / ۷۲۹.

۲- (۲) - تذکره الفقهاء: ۲ / ۶۸.

۳- (۳) - من لایحضره الفقیه: ۱ / ۱۶۳.

۴- (۴) - مستمسک العروه الوثقی: ۴ / ۲۳۴.

«هیچ تردیدی در این نیست که نماز میّت در نظر ما دارای پنج تکبیر است. بر این مطلب، روایات بسیاری که در آنها روایات صحیح و غیره وجود دارند، دلالت می کنند؛ همانند صحیحۀ عبدالله بن سنان، از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: التَّكْبِيرُ عَلَى الْمَيِّتِ خَمْسٌ تَكْبِيرَاتٍ.

و در بعضی روایات آمده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاهی در نماز میّت، چهار و گاهی، پنج تکبیر می گفت.

در بعضی از روایات آمده است: هر تکبیری به یکی از اصول و مبادی اسلام اشاره دارد که شامل: روزه، نماز، زکات، حج و ولایت هستند؛ برای همین آن حضرت بر منافقین که منکر ولایت بودند، با چهار تکبیر و بر مؤمنین، با پنج تکبیر نماز می خواند.

اینها مطالبی است که در روایات ما آمده است، اما روایات پیروان خلفا در این باره مختلف است؛ در بعضی از آنها آمده است که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با شش، یا هفت تکبیر نماز می خواند و در بعضی دیگر آمده است که: عمر صحابه را جمع کرد و پس از مشورت دستور داد که همه چهار تکبیر بگویند.

در هر حال، در این که نماز میّت در نظر ما دارای پنج تکبیر است، هیچ اختلافی در آن نیست و اگر تکبیری از آن کاسته شود، نماز باطل است؛ چون مرگب، با انتفای جزئی از آن، منتفی می شود

و حدیث لا تعداد شامل آن نمی شود؛ زیرا این حدیث، اختصاص به نمازی دارد که دارای رکوع، سجود و طهارت باشد.

امّا اگر چیزی بر آن اضافه شود، اگر از روی فراموشی باشد، باعث بطلان آن نمی شود؛ زیرا اضافه ای است که بعد از اتمام عمل، رخ داده و اضافه بعد از تمام عمل، باعث بطلان آن نمی شود.

امّا اگر اضافی، عمدی باشد، باز هم قول صحیح آن است که باعث بطلان نمی شود؛ زیرا اضافه بعد از اتمام عمل است و نماز بعد از پنج تکبیر به اتمام رسیده است، الا این که اگر از همان ابتدا تصمیم داشته باشد که شش تکبیر بگوید که در این صورت، چون قصد تشریح داشته است، نمازش باطل است، امّا اگر قصد داشته باشد که بعد از پنج تکبیر، تکبیری را اضافه کند، باعث بطلان نمازش نمی شود». (۱)

بنابراین، روشن شد که قول به پنج تکبیر در نماز میّت، اگر متعین و وظیفه شرعی نباشد، حدّ اقل این است که ادلّه قوی تر و بیشتری دارد و به احتیاط نزدیکتر است؛ زیرا کسی که پنج تکبیر به جای می آورد، یقین دارد که بر طبق تمام مذاهب، موافق شریعت عمل کرده است در حالی که برای دیگران چنین یقینی حاصل نمی شود و عمل کسانی که چهار تکبیر می گویند، احتمال بطلان دارد.

ص: ۴۱

۴- تکبیرهای نماز میّت در سایه مرجعیت اهل بیت (علیهم السلام)

مسأله مورد بحث، یکی از صدها مسأله ای است که دلالت می کند به این که مسلمانان بعد از کتاب و سنت نبوی، احتیاج شدید به مرجع فکری زنده ای دارند که کتاب و سنت را تفسیر کند و در این کار از اشتباهات و پیروی از هوا و هوس و لغزشهای دیگری که افراد، تحت عنوان اجتهاد، دچار آن می شوند، مصون و میرا باشد.

مسأله مورد بحث، یک مورد معین در سیره نبوی است و روایاتی که از هر دو فرقه نقل شده اتفاق نظر دارند بر این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاهی با چهار تکبیر و گاهی با پنج تکبیر و بیشتر نماز میّت را اقامه می کرد.

چنین حالتی ممکن است که به تخییر تفسیر شود و مکلف در تعداد تکبیرات مخیر باشد و ممکن است که به تنويع تفسیر شود؛ بدین معنا که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برای افرادی که صفت معینی داشتند، چهار تکبیر و برای افراد دیگری که صفت دیگری داشتند، پنج تکبیر و... می گفتند.

واضح است که انتخاب یکی از تفسیرها احتیاج به مرجح دارد و ممکن نیست که بدون دلیل و اساس باشد. خلیفه دوم نیز می بایست که در این نقطه توقّف می کرد و به سرعت و بدون دلایل محکم، نظر چهار تکبیر را برای نماز قبول نمی کرد. تمام این موارد، حقایق است.

و انسجام منطقی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را نشان می دهد که بر ضرورت تدوین فقه بر اساس مرجعیت فکری اهل بیت (علیهم السلام) تأکید می ورزد؛ کسانی که معصوم و مطمئن هستند و شایستگی و لیاقت کافی برای بیان مقاصد وحی و حقایق اصیل آن را دارند.

با دهها دلیل قرآنی و نبوی ثابت شده است که تنزیه خدای متعال و شریعت مقدّسی که برای بندگانش ارسال کرده، از عبث و بیهودگی، منوط به این است که شریعت را بدون مرجعیت دینی رها نکرده باشد؛ زیرا شریعت، بدون وجود مرجعیت، از خطا و انحراف مصون نمی ماند. از سوی دیگر، ثبوت فضیلت‌هایی برای بعضی از اصحاب، بدین معنا نیست که آنان لیاقت مرجعیت دینی، بعد از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را دارند. کتاب و سنّت نیز با قاطعیت تأکید می ورزند که اهل بیت (علیهم السلام) تنها مرجع مطلوب بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند که شریعت را از خطا و انحراف حفظ می کنند و آن را از دسیسه های شیاطین و منحرفان دور نگاه می دارند.

به این ترتیب، وقتی با ابهاماتی در کتاب و سنّت مواجه می شویم که قابل تفسیرهای متعدّد می باشد، لازم است به تفسیری که اهل بیت (علیهم السلام) ارائه می دهند، توجه کنیم؛ زیرا کتاب و سنّت به ما دستور داده است که از مرجعیت دینی، پیروی و اطاعت کنیم و از تفاسیر دیگر اعراض نماییم؛ چون از مصادری صادر شده است که کتاب و سنّت، دستور پیروی و اطاعت از آنها را نداده است؛

بنابراین، این تفاسیر از نظر شرع متروک هستند. مسأله مورد بحث از همین قبیل است.

با نظری به فقه پیروان خلفا می بینیم که آنان در برخورد با سیره نبوی برای دستیابی به چگونگی نماز میت، به روایاتی که چهار تکبیر را نقل می کنند، عمل کرده و روایات دیگر را کنار گذاشته و بی اعتبار دانسته اند و ملاک عمل به روایات چهار تکبیری این بوده است که شبیه طولانی ترین نماز واجب؛ یعنی نمازهای چهار رکعتی هستند که این ملاک و معیاری غیر معتبر است.

در نهایت، چیزی که برای دفاع از این روش می توان گفت این است که ثبوت تکبیرهای متعدّد در نمازهای میت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کاشف از این است که شریعت اسلامی می خواسته است که مکلفین را به اختیار خویش واگذارد تا هر کدام را که می خواهند انتخاب کنند، اما خلیفه دوّم، مسلمانان را مجبور کرد تا یکی از این تکالیف اختیاری را انتخاب و دیگری را کنار بگذارند.

در بعضی از روایات آمده است که: خلیفه دوّم، صحابه ای را که فرا خوانده بود، مورد خطاب قرار داد و گفت:

«شما از بزرگان اصحاب محمّد (صلی الله علیه و آله) هستید؛ هر گاه شما با هم اختلاف داشته باشید، مردم نیز به پیروی از شما اختلاف پیدا می کنند. مردم نسبت به دوران جاهلیت قریب العهد هستند، پس بر یک نظر، متفق القول شوید تا مردم از شما پیروی کنند. در آن جلسه، نظر اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر این شد که آخرین نماز میت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

را بررسی کنند و ببینند در آخرین نمازی که خوانده چند تکبیر گفته است تا همان را ملاک عمل قرار دهند. در آن جا معلوم شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آخرین نماز میتی که خوانده چهار تکبیر گفته است». (۱)

موضع خلیفه و صحابه ای که در جلسه مشورتی وی شرکت کرده اند، نشان می دهد که آنان تفاوت موجود در تعداد تکبیرها را می دانسته اند و فهمیده بودند که شریعت اسلامی، مکلفین را در این مسأله مختار قرار داده است، اما با این وجود، تصمیم گرفتند که تعداد تکبیرها را چهار تا اعلام کنند تا همین مسأله باعث اختلافات بعدی نشود، ولی از این مسأله غفلت ورزیدند که این دستور صادر شده، دخالت در احکام شریعت بوده است.

وقتی که شریعت اسلامی، مکلفین را در تعداد تکبیرها صاحب اختیار قرار داده الزام به انتخاب یکی و کنار گذاشتن بقیه موارد، برخلاف شریعت اسلامی و مقاصد آن است و نهایت کاری که می توانند بکنند این است که به نظر چهارتایی عمل کنند و از عمل به سایر نظرات، جلوگیری نمایند. نتیجه این می شود که برخلاف مذاهب چهارگانه و موافق با فقه ابن حزم عمل کرده اند.

ص: ۴۵

۱- (۱) - الحاوی الکبیر، علی بن محمد ماوردی: ۳/ ۵۳. این مطلب در حاشیه محقق کتاب، به نقل از کتاب الآثار، تألیف محمد بن حسن شیبانی به نقل از استادش ابوحنیفه از استادش حماد بن ابی سلیمان، از ابراهیم نخعی آمده است.

و اگر شریعت اسلام، مکلفین را در تعداد تکبیرها مخیر گردانیده و مقصودی از این تفاوتها داشته که مکلفین را یک بار، به چهار و بار دیگر، به پنج تکبیر مقید گردانیده است، در این صورت، اقدام خلیفه و اجابت دعوت وی به وسیله صحابه هیچ پایه و اساس شرعی نداشته است. این بدان معناست که دستور به چهار تکبیر در نماز میت، در تمام احتمالات باطل است.

به این ترتیب، تنها نظر اهل بیت (علیهم السلام) درست و مطابق با واقع جلوه می کند که فرموده اند:

«تفاوت در تعداد تکبیرهای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نماز میت، دلالت بر این ندارد که مکلف در انجام هر کدام، مخیر باشد بلکه دلالت می کند بر این که آن حضرت در حالتهای مختلفی نماز خوانده است و انجام این نماز در هر حالتی، با انجام آن در حالت و فرد دیگر متفاوت بوده است».

در این قسمت، به گزیده ای از سخنان اهل بیت (علیهم السلام) در مورد تعداد تکبیرهای نماز میت و تفسیر سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می کنیم.

در استبصار، شیخ طوسی، بابی تحت عنوان: «بابُ عددُ التکبیراتِ علی الاموات» آمده که وی یازده روایت را در آن جمع کرده است و ما عین روایات را بیان می کنیم:

۱- حسین بن سعید، از فضاله، از عبدالله بن سنان، از ابی عبدالله (علیه السلام) روایت کرده است:

«التکبیر علی المیت، خمس تکبیرات».

۲- سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن مهزیار، از حماد بن شعیب، از ابی بصیر، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است:

«التکبیر علی المیت، خمس تکبیرات».

۳- علی بن حسین، از محمد بن احمد بن صلت، از عبدالله بن صلت، از حسن بن علی، از ابن بکیر، از قدامه بن زایده نقل کرده است: شنیدم که ابو جعفر (علیه السلام) می فرماید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صَلَّى عَلَيَّ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ وَكَبَّرَ خَمْسًا».

«رسول خدا در نماز بر جنازه فرزندش ابراهیم، پنج تکبیر گفت».

۴- عبدالله بن صلت، از حسن بن محبوب، از ابی ولّاد نقل کرده است: از امام صادق (علیه السلام) درباره تعداد تکبیرهای نماز میت پرسیدم، فرمود:

«پنج تاست».

۵- حسین بن سعید، از فضاله، از کلب اسدی نقل کرده است: از امام صادق (علیه السلام) درباره تعداد تکبیرهای نماز میت سؤال کردم، فرمود:

«پنج تا و با دستانش پنج را نشان داد».

۶- احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از احمد بن نصر خزاز، از عمرو بن شمر، از جابر نقل کرده است: از

ابوعبداللہ (علیہ السلام) پرسیدم: آیا در مورد تکبیرهای نماز میت، چیز معینی وجود دارد؟ فرمود:

«نه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز میت را با یازده، نه، هفت، پنج، شش و چهار تکبیر خوانده است.»

آنچه در این خبر درباره تکبیرهای بیش از پنج تا آمده است، به اجماع متروک است و امام (علیه السلام) فقط درباره فعل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خبر داده است؛ زیرا آن حضرت گاهی مشغول نماز بر یک یا دو جنازه بود که جنازه دیگری می آوردند. آن حضرت از همان جایی که نماز میت اول را تمام کرده بود، نماز بر جنازه جدید را شروع می کرد و از این رو، به نظر می رسید که بیش از پنج تکبیر گفته است و این مطلب چنان که در کتاب دیگر خود گفته ایم، صحیح است.

اما روایاتی که متضمن چهار تکبیر است، بر حال تقیه حمل می شود؛ زیرا قول به چهار، نظر تمام مخالفان امامیه است و یا این که قول به چهار، اخبار از تعامل پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) با جنازه های منافقان، یا کسانی است که ادعا می شد مسلمان هستند.

این سیره آن حضرت بوده و روایاتی هم بر آن دلالت دارند.

۷- حسین بن سعید، از محمد بن ابی عمیر، از حماد بن عثمان و هشام بن سالم، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده اند:

«كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) يكبر على قوم خمساً و على آخرين أربعاً و اذا كبر على رجل أربعاً اتهم».

«رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بر عده ای پنج تکبیر و بر عده ای چهار تکبیر می گفت و هر گاه بر جنازه ای چهار تکبیر می گفت، آن شخص متهم (به نفاق یا...) می شد».

۸- علی بن حسین، از عبدالله بن جعفر، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از اسماعیل بن همام، از ابی الحسن (علیه السلام) روایت کرده است:

قال أبو عبدالله (عليه السلام): «صَلَّى رسول الله (صلى الله عليه وآله) عَلَى جنازه فكبر عليه خمساً و صَلَّى على آخر فكبر عليه أربعاً، فأما الذى كبر عليه خمساً فحمد الله و مجده فى التكبير الاولى و دعا فى الثانية للنبي (صلى الله عليه وآله) و دعا فى الثالثة للمؤمنين و المؤمنات و دعا فى الرابعة للميت و انصرف فى الخامسة و أما الذى كبر عليه أربعاً حمد الله و مجده فى التكبيره الاولى و دعا لنفسه و اهل بيته فى الثانية و دعا للمؤمنين و المؤمنات فى الثالثة و انصرف فى الرابعة و لا يدع له لأنه كان منافقاً».

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بر جناز نماز خواند و در آن پنج تکبیر گفت و بر جنازه دیگری نماز را خواند و در آن چهار تکبیر گفت. در نمازی که پنج تکبیر گفت، پس از تکبیر اول، خدا را حمد و ثنا گفت و او را به عظمت یاد کرد و پس از تکبیر دوم برای پیامبر (صلى الله عليه وآله) دعا کرد و پس از تکبیر سوم برای مؤمنین و مؤمنات دعا

کرد و پس از تکبیر چهارم برای میّت دعا کرد و آنگاه تکبیر پنجم را گفت. و امّا در نمازی که چهار تکبیر گفت، پس از تکبیر اوّل، حمد و ثنای خدا را گفت و او را به عظمت یاد کرد و پس از تکبیر دوّم برای خودش و اهل بیتش دعا کرد و پس از تکبیر سوّم برای مؤمنین و مؤمنات دعا کرد و آنگاه تکبیر چهارم را گفت و از نماز خارج شد و برای میّت دعا نکرد؛ زیرا از منافقان بود».

۹- علی بن حسین، از احمد بن ادریس، از محمّد بن سالم، از احمد بن نصر، از عمر و بن شمر نقل کرده است:

«به جعفر بن محمّد (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! ما در عراق می گوییم که علی (علیه السلام) بر سهل بن حنیف نماز میّت خواند و بر جنازه اش شش تکبیر گفت، سپس رو به افرادی که پشت سرش ایستاده بودند کرد و فرمود: او از بدریون بود، آیا این درست است؟

امام (علیه السلام) فرمود:

«إنّه لم یکن كذلك، لکنّه صلیّ علیّه خمساً ثمّ رفعه و مشی به ساعه ثمّ وضعه و کبر علیّه خمساً ففعل ذلک خمس مرّات حتّی کبر علیّه خمساً و عشرین تکبیره»؛

«این گونه نبوده است بلکه آن حضرت پنج تکبیر بر او گفت، سپس جنازه اش را بلند کرد و مقداری پیش بردند، سپس آن را زمین گذاشتند و حضرت پنج تکبیر دیگر بر جنازه اش گفت و همین طور این کار را تکرار کرد تا ۲۵ تکبیر بر جنازه اش گفت».

و احتمال دارد روایاتی که می گوید: «نماز میّت چهار تکبیر دارد»، منظورشان تکبیرهایی باشد که بعد از آنها دعا وجود دارد؛

زیرا پس از تکبیر پنجم دعایی وجود ندارد و با این تکبیر، از نماز خارج می شوند. روایتهای ذیل بر این احتمال دلالت دارند:

علی بن حسین، از محمّد بن یحیی، از محمّد بن احمد کوفی - که لقبش «حمدان» است - از محمّد بن عبدالله، از محمّد بن ابی حمزه، از محمّد بن یزید، از ابوبصیر نقل کرده است:

«نزد ابو عبدالله (علیه السلام) نشسته بودم که مردی وارد شد و از تکبیرهای نماز میّت سؤال کرد.

امام (علیه السلام) پاسخ داد: پنج تکبیر دارد. سپس فرد دیگری وارد شد و از نماز میّت سؤال کرد. امام (علیه السلام) پاسخ داد: چهار صلوات دارد. اوّلی پرسید: فدایت شوم! من از تو سؤال کردم، فرمودی که پنج تا و این از تو سؤال کرد، فرمودی چهار تا!!»

امام (علیه السلام) فرمود:

«أَنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنِ التَّكْبِيرِ وَ سَأَلْنِي هَذَا عَنِ الصَّلَاةِ، ثُمَّ قَالَ: أَنَّهَا خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ، بَيْنَهُنَّ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ، ثُمَّ بَسَطَ كَفَّهُ فَقَالَ: أَنَّهَا خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ بَيْنَهُنَّ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ» (۱).

«تو از من در مورد تکبیرها سوال کردی و این درباره نماز از من سؤال کرد. سپس فرمود: نماز میّت دارای پنج تکبیر است که بین آنها چهار صلوات است. سپس دستانش را گشود و با انگشتانش نشان داد و فرمود: آنها پنج تکبیر هستند که چهار صلوات بینشان قرار دارد».

ص: ۵۱

نماز میّت طبق مذهب اهل بیت (علیهم السلام) با پنج تکبیر به جای آورده می شود. گاهی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نماز بعضی از اموات را با چهار تکبیر به جای می آوردند و این به خاطر خصوصّیاتی بود که در آنان وجود داشت و پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنها را لحاظ می کردند.

قول به چهار تکبیر، دارای پشتوانهٔ سندی محکمی در سنّت نبوی نمی باشد بلکه ناشی از اقدام و دستور خلیفهٔ دوّم است که آن را شایع کردند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

